



سر مقاله



پول‌ها را خوب بشوید.

زهرا برهانی

لازم به ذکر است که قبلاً چارچوب مقرراتی و اجرایی برای مبارزه با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم به خوبی توسط خود ایران طراحی و اجرا شده بود.

پولشویی فرایندی است که پول حاصل از اقدامات غیر قانونی تبدیل به پول یا ثروتی میشود که در ظاهر از راه قانونی به دست آمده است و به این طریق پول شسته شده وارد اقتصاد می‌شود.

تهدیدات ناشی از پذیرش FATF:
 - تسلط اطلاعاتی FATF بر شبکه مالی کشور
 - تحمیل تعریف غربی از تروریسم به



گروه ویژه اقدام مالی در پولشویی (FATF) با ابتکار هفت کشور صنعتی با هدف مبارزه با تامین مالی تروریسم از طریق پولشویی، تشکیل شد. این سازمان با اعمال نظارت بر روابط مالی بین کشورها محدودیت‌های شدیدی را برای نقل و انتقالات منابع مالی که شبه پولشویی و تامین مالی تروریسم دارد، قایل میشود.

به دستگاه‌های اقتصادی کشور
 - نقض اصل ۳ و ۱۵۴ قانون اساسی

طبق گفته عباس کعبی «شروطی که مجلس در ارتباط با لایحه FATF گذاشته، مصرف داخلی دارد و از لحاظ خود کنوانسیون این گونه شرطها اعتبار ندارند. به تعبیر فقهی خلاف ذات عقد است.» طی یک دهه گذشته، اتاق‌های فکر غرب بعد از ناامیدی از تاثیرگذاری قدرت نخست بر اراده سیاسی کشورمان طرح نرمال سازی ایران را در دستور کار خود قرار دادند. بدین معنا که ساختارهای نظام در یک روند آهسته و پیوسته به شکل و ساختار مورد نظر نظام استکبار تغییر و استحاله یابد.

FATF سومین گام از شش گام در نظر گرفته شده در طرح نرمال سازی ایران است.

ایران در سال ۲۰۱۰ وارد لیست سیاه FATF شد که تبعات آن، تشدید نظارت‌های دقیق بر مبادلات مالی و اعمال تحریم‌های شدید مالی اقتصادی است. پس از اعلام درخواست دولت یازدهم برای عضویت در FATF، گروه ویژه اقدام مالی برای پذیرش درخواست کشورمان خواهان پذیرش **چهار لایحه از سوی دولت و مجلس شد:**

- الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پالمو)
- اصلاح قانون پولشویی
- اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم
- الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT)

در رسانه‌ها می‌بینیم، می‌شنویم، یا می‌خوانیم که مردم ما کم‌خوانند، رغبتی به مطالعه ندارند. هر ایرانی در سال، فلان قدر دقیقه کتاب می‌خواند و داوری‌های متنوع و فراوان دیگر.

سوال این است که چرا نه نسل جدید و نه نسل قدیم، دیگر کتاب مطالعه نمی‌کنند؟ یک سری پاسخ‌ها داده شده، از جمله قیمت بالای کتاب، سانسور و ممیزی کتاب. پاسخ سوم سر وقت فضای مجازی می‌رود. اقشار جوان‌تر جامعه زمان زیادی را به سرگرم بودن با گوشی‌های همراهشان اختصاص می‌دهند، زمانی که دست کم بخشی از آن می‌توانست به مطالعه کتاب اختصاص یابد.

دستیابی سریع و آسان به دانش و اطلاعات که دانشجویان و محققان برای تحقیقشان نیاز دارند، از دیگر آثار فضای مجازی است. به جای تهیه کتاب می‌توانیم از طریق کامپیوتر شخصی مان به آخرین آمار و اطلاعات در حوزه‌ی مورد نظر دست پیدا کنیم. هیچ کدام این دلایل به نظر نمی‌رسد اقیان کفنده باشد.

اما وقتی از کسی می‌پرسیم "آیا کتاب می‌خوانی؟" و در جواب می‌گوید که "چرا باید بخوانم؟" منطقی‌ترین و استوارترین پاسخ را داده است. هدف دار کردن "خواندن" میتواند انگیزه‌ی روی آوری به مطالعه را فراهم کند.

فائزه نظری

صدایش را در نیاور!

روزی دم روباهی در حادثه‌ای قطع شد. روباه‌های دیگر از او پرسیدند: دمت چه شد؟ روباه حیل‌گر این گونه پاسخ داد: خودم دمم را قطع کردم، حالا آزادم و سبک. احساس راحتی می‌کنم، وقتی راه می‌روم فکر می‌کنم که دارم پرواز می‌کنم.

روباه ساده لوحی با شنیدن ماجرا رفت و دم خود را قطع کرد. با دردی شدید نزد روباه اول رفت و گفت: برادر! تو که گفته بودی سبک شده‌ام و احساس راحتی می‌کنم... من که درد زیادی دارم. روباه در پاسخ گفت: صدایش را در نیاور! اگر نه تمام روز روباه‌های دیگر به ما می‌خندند. هر لحظه ابراز خوشنودی کن و افتخار کن تا تعداد ما زیاد شود. وگرنه تمام عمر مورد تمسخر دیگران قرار خواهیم گرفت.

این گونه بود که تعداد دم‌بریده‌ها آنقدر زیاد شد که بعدها دیگر به روباه‌های دم‌دار می‌خندیدند. وقتی در یک جامعه افراد مقصد زیاد می‌شوند به افراد با شرف و با عزت می‌خندند و گاه آن‌ها را دیوانه می‌پندارند.

بهترین پستی که اخیراً خواندم

شبی در راه دانشگاه

آدمی گاهی با اراده دل می‌بندد خویش را اسیر می‌کند یعنی می‌خواهد این اسارت را اما از یک جایی به بعد دیگر این گونه نخواهد بود دیگر دست خودش نیست عاجز می‌شود از دل کندن درد فراق امانش را می‌برد و می‌میرد، بی‌اراده می‌میرد ...

می‌ترسانیدمان از مرگ که ما پیغمبر مرگیم خدا با که دل تنگیم سرسنگین نخواهد شد ...

#السلام_علیک_یا_سید_الشهدا



+ فائزه قربان‌نژاد

"حقوقم کمه، اما خداروشکر روزمرم می‌گذره. تشویقی می‌خوام چیکار؟ پول جمع کنم برای وارث؟ وارث خودش خدا داره... برای من پول مهم نیست دعای پدرومادر شما مهمه."

یکی از شب‌های پاییزی اواخر مهر ماه. کمی از ساعت ۱۰ گذشته است. با آقای حسنی راننده‌ی قدیمی دانشگاه به سمت خوابگاه در حرکتیم. طبق معمول دنده روی ۲ گذاشته شده و سرعت از ۳۰ کیلومتر بر ساعت تجاوز نمی‌کند. مثل همیشه آقای حسنی تمام مسیر را صحبت می‌کند. برای من که هر روز پای درس اساتید متخصص و فوق تخصص می‌نشینم، سخت است حالا بخواهم صحبت‌های این پیرمرد به قول خودش بی‌سواد را گوش کنم. اما انگار کم کم جذب صحبت‌هایش می‌شوم:

"شما اون موقع رو ندیدین. سمنان یه دونه دکترم نداشت. به زور یه مشت بی سواد عمامه به سر خارجی رو به عنوان دکتر می‌آوردن بیمارستان. سال ۴۵ ما تو سمنان آمبولانس نداشتیم کلا یه ماشین بود برای کارمندا و تصادفی‌ها و مریض و قابله و زانو...!"

می‌مانم که از این حرف‌ها می‌خواهد به کجا برسد. این وقت شب خاطرات بهتری برای تعریف کردن نداشت؟! آقای حسنی ادامه می‌دهد:

"الان همین سمنان سالی چقدر دکتر تربیت می‌کنه؟ شما بگین ما پیشرفت علمی نکردیم؟ چرا؟ چون هرکس وظیفه خودشو درست انجام داد. کسی غر نزد. کفر نعمت نکرد."

بعضی‌ها نمی‌خوان ایران پیشرفت بکنه که کارشون رو درست انجام نمیدن. اینا روز قیامت چطور می‌خوان جواب خدارو بدن؟ حیفه مملکتمون. دست به دست هم بدین بایستین کار کنین. کار برای خداست. خدا به شما عوض میده." به خوابگاه نزدیک شده ایم. برخلاف تصورم حرف‌های آقای حسنی برایم شنیدنی بود. حرف‌هایی که می‌دانم از کتابی نخوانده و شعار نیست. با خودم فکر می‌کنم کدام یک از مسئولین ما مثل آقای حسنی برای خدا کار می‌کنند؟

یک فنجان کتاب



+ الهه حسین‌زاده

قیدار داستان مردی است جوانمرد، غیور و پهلوان‌منش. مردی که از همان اولین صفحات کتاب عاشق منشش می‌شوید.

قیدار صاحب یک گاراژ بزرگ است و در دفتر همان گاراژ یک کتابخانه دارد که از قضا تمام آن کتاب‌ها را لابه‌لای آجرها و سیمان‌های عمارتش که لنگری است برای بی‌سرپناهان و آوارگان-سیاه و سفید- گذاشته است.

قیدار از آن مردان ثروتمند قدیمی است که حرفش حسابی برو دارد و خاک پای اهل بیت است.

او همان مردی است که جان "شهلا جان" از دهانش نمی‌افتد وقتی همسرش را صدا می‌زند و یا وقتی راجع بهش حرف می‌زند. همان زنی که در مسیر رفتن به ماه عسل در اثر تصادف بینایی اش را از دست داد.

و آخرین مرامی که از او می‌خوانیم و شاید مهم‌ترین آن همانی است که در پایان کتاب آمده.



این کتاب نوشته نشد تا نامی از قیدار باقی بماند که

خوشا گم‌نامان "طوبیاً للغربا"

یک گام از افق‌های اندیشه

وقتی فرد اطلاعات بنیادین دارد در هر حوزه ای وارد شود یا در هر سرزمینی وارد شود به آب دست پیدا میکند.

لا یمسه الآ المطهرون... چرا هرکسی قرآن را نمیفهمد غیر از مطهرون؟

مطهرین تطهیر یافتگان از ساحت خیال و وهمند. مستقرین در ساحت عقلانیت اند.

چون قرآن عقل الله است. زبان قرآن، زبان عقلانیت است. قرآن برنامه میدهد.

هر کسی نظام فکری و مبانی دستش بود، در همه حوزه‌ها میتواند مرتفع شود.

عشق بازان ره عشق در این بحر عمیق غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

برگرفته از کلاس نظام فکری دکتر عزیزی



با ما در ارتباط باشید:

ارسال نظرات و سوژه‌های صنفی-دانشجویی برای چاپ در نشریه‌های آینده به شماره پیامکی: ۰۹۲۱-۱۲۲-۸۱۸۰ و یا ایدی @cafeketabandishe

kafeketabandishe

دو هفته‌نامه فرهنگی سیاسی -

اجتماعی نشر اندیشه

صاحب امتیاز: کانون اندیشه

دانشجوی مسلمان

مدیر مسئول: عذرا حاجی محمدی

سردبیر: فائزه قربان‌نژاد

تحریریه: زهرا برهانی، فائزه نظری،

الهه حسین زاده، زینب سعدالدین،

زهرا آقانسب